

لزوم آموزش قبل از دبستان

و تربیت مادران بعنوان معلم

بارایگان شدن آموزش تا پایان دوره دبیرستان و در بعضی موارد دانشگاه اکنون باید کیفیت آموزش را در نظر گرفت. یکی از دوره‌های مهم زندگی که پایه‌ای برای یادگیری‌های بعدی است از بدو تولد تا شروع دبستان میباشد که باید به آن توجه مخصوص مبذول داشت. در دهه اخیر بخصوص این سؤال برای متخصصین تعلیم و تربیت پیدا شده که وجود مدارس قبل از دبستان برای عموم کودکان لازم است یا نه. در بسیاری از ممالک دنیا آموزش اجباری بخصوص برای کسانی که از طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین هستند از ۴ سالگی شروع میشود. با وجود اینکه تعداد زیادی از متخصصین تعلیم و تربیت در دوره قبل از دبستان معتقدند که مدارس قبل از دبستان و مهدهای کودک

دکتر ثریا مکنون
استاد یار دانشکده علوم تربیتی - دانشگاه تهران



برای کودکان طبقه اجتماعی پائین باید وجود داشته باشد ولی در این موضوع که تمام کودکان باید تربیت مدرسه‌ای را از سن ۳ یا ۴ سالگی شروع کنند هنوز تردید وجود دارد. بعضی عقیده دارند که شروع مدرسه در سنین پائین باعث جدا شدن کودک از خانواده‌اش میگردد و بسیاری از خانواده‌ها خود میتوانند محیط مناسب برای تربیت و آموزش فرزندان‌شان بوجود آورند.

البته بحث در این نیست که آیا کودکان در سنین پائین نیاز به نگهداری و تربیت دارند یا نه، بلکه صحبت در اینست که به چه نوع تربیت احتیاج دارند؟ مهدهای کودک و مدارس قبل از دبستان باید قابل انعطاف باشند و مدرسه خوب برای کودکان باید با در نظر گرفتن احتیاجات جسمانی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آن

گروه از کودکان برنامه خود را طرح ریزی نماید. تشخیص بین دو اصطلاح «تعلیم و تربیت سالهای اولیه» و «مدارس نر، ری» یا «مهد کودک» در اینجا لازم بنظر میرسد «تعلیم و تربیت سالهای اولیه» معمولاً به برنامه‌ای اشاره میکنند که تأکید زیاد بر روی آموزش اولیه دارد مانند برنامه کودک کستان یا کلاس آمادگی که کودکان را برای ورود به کلاس اول آماده میکنند یا مدارس نرسری که هدفهای گوناگون پرورشی که شامل شناختی، اجتماعی، عاطفی و یا پرورش جسمانی میشود دارد. برعکس «مهد کودک» یا مدارس نرسری برای سنین پائین اکثراً محلی برای نگهداری کودکانی هستند که مادران آنها در خارج از منزل به کاری اشتغال دارند و یا به دلایل دیگری قادر به نگهداری از فرزندان‌شان نیستند. امروزه چنین سؤساتی مورد قبول نیستند و روانشناسان معتقدند که در کلیه مدارس قبل از دبستان اعم از دولتی یا شخصی تأکید باید بر روی هدفهای پرورشی باشد نه آموزشی.

تغییراتی که در سالهای اخیر در مدارس قبل از دبستان بخصوص در آمریکا بوجود آمده یکی کم کردن تعداد کودکان در یک



کلاس و دیگری مخلوط کردن گروه‌های سنی مختلف با یکدیگر است. بعلاوه برنامه‌های آموزشی اخیر بخصوص آنهاییکه برای کودکان طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین در نظر گرفته شده‌اند سعی دارند والدین این دسته از کودکان را در آسوزش و برنامه‌های کودکان دخالت دهند. به این جهت اسروزه در برنامه‌های کودکان و مهدهای کودک برخلاف گذشته دخالت بیشتر والدین و افراد صاحب نظر و انتخاب مدلهای تدریس مناسب با گروه بخصوص از کودکان دیده میشود.

از طرف دیگر تحقیقات اخیر در روانشناسی نظرسردم را نسبت به ثابت بودن هوش تغییر داده و محیط و تجربه را در پرورش هوش مؤثر دانسته است. در نتیجه عقیده بر این شده است که درجه رشد فکری رابطه مستقیم با محیطی که کودک در آن بزرگ میشود دارد. یکی از دلایل عقب ماندگی کودکان بی بضاعت در مدرسه کمبودهایی است که در محیط آنان نسبت به محیط کودکان طبقه اجتماعی بالاتر وجود دارد.

تحقیقات متعدد نشان میدهد که پشتکار و انگیزه در یادگیری کودکان طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین با کودکان طبقه مرفه متفاوت است، مثلاً در بسیاری از موارد وقتی پاداش یادگیری چیزی مادی باشد کودکان بی بضاعت بهتر یاد میگیرند در حالیکه برای کودکی که از طبقه اجتماعی بالاتر می باشد دانستن اینکه مطلبی را درست یاد گرفته خود برایش پاداشی محسوب میشود و نیاز به پاداش نقدی ندارد. البته علت این تفاوت احتیاجات مادی دسته اول از کودکان است که بابهود وضع اقتصادی جامعه به تدریج از میان خواهد رفت.

بنابراین برای کمک به کودکانی که از طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین هستند باید در درجه اول محیط آنها را شناخت و بعد در برنامه ریزی و تنظیم برنامه کودکان احتیاجات آنها را در نظر گرفت. آنچه که برای اکثر مردم این طبقه وجود دارد و از محیط سرچشمه میگیرد خانه شلوغ و بدون نظم، تعداد زیاد افراد در اطاقهای کوچک و محدود و در نتیجه نداشتن فضای لازم برای حرکت و فعالیت و کمبود وسائل آموزشی میباشد. دلایل دیگری که از محیط متأثر میشود و ممکن است باعث عقب ماندگی در پیشرفت تحصیلی و کم شدن حس کنجکاوی در دوران اولیه زندگی شود نداشتن کتاب و مجله و عکسهای رنگی در منزل و کمبود اسباب بازی و اسباب اینهاست.

یکی دیگر از اثرات چنین محیطی بر روی کودکان در یادگیری زبان مسادری میباشد. عقب افتادگی کلامی در موقع شروع مدرسه تولید مشکلاتی در فهمیدن دستورات معلم و یادگیری دروس مدرسه‌ای مینماید و یکی از قسمتهای برنامه قبل از دبستان باید تقویت زبان از راه برقراری مکالمات دوفزری بین معلم و کودک و بوجود آوردن فرصتهایی که کودک را به حرف زدن تشویق می نماید باشد.

برای تشخیص احتیاجات کودکان طبقات اجتماعی مختلف معلمین باید رابطه نزدیک و دوستانه با والدین، متخصصین تعلیم و تربیت و سایر مقامات مسئول برقرار نمایند. در گذشته شاید لزومی در برقراری این ارتباط دیده نمیشد و کودکان و مدارس نرسری به صورت اسروزه و به این تعداد وجود نداشت ولی اسروزه که تربیت و پرورش کودکان را باید از سنین خیلی پائین شروع



خود دارند. بخصوص مادرانی که خود فرصت و موقعیتی برای تحصیل نداشتند مایلند که فرزندانشان تحصیلات عالی داشته باشند و در آینده صاحب شغل و مقام آبرومندی گردند ولی آنچه که باید در نظر داشت اینست که آرزو داشتن بدون سعی کردن شخص را به آنچه که میخواهد ندمیرساند. بعضی مادران حتی نمیتوانند این سستند را درک کنند که برای فرزندان خردسالشان معلم هستند آنها حتی نمیدانند چه قسمت از رفتار و کارهای آنها را کودک یاد بگیرد و چه کارهایی مانع یادگیری او میگردد. قدرت کلامی و اطلاعات آنها از زبان استاندارد ممکن است آنقدر محدود باشد که نتوانند به فرزندان خود کمکی نمایند.

مادرانی که از نظر مادی در رفاه هستند

کرد و کودکانها و مهدهای کودک بسیار بوجود آمده‌اند بنظر میرسد که باید همکاری نزدیک بین اعضاء خانواده و مدرسه وجود داشته باشد. در اینجا نباید اینطور استنباط کرد که رفتن به کودکانستان یا نرسری برای پرورش کودک ضروری است. بسیاری از خانواده‌ها و والدین میتوانند محیطی بس آموزنده‌تر و مفیدتر از مدرسه برای پرورش فرزندانشان بوجود آورند ولی چون تعداد مادرانی که در بیرون از منزل بکار اشتغال دارند روز بروز بیشتر میشود وجود مدرسی که علاوه بر نگهداری کودکان به پرورش و یادگیری آنان نیز کمک نماید لازم بنظر میرسد. موضوعی که در اینجا باید به آن توجه نمود آرزوهائیکه مادران برای فرزندان

نیز ممکن است گاهی اوقات از موقعیتهای مخصوص که به یادگیری کودک کمک میکند غافل باشند. رابطه گرم و محبت آمیز بزرگسالان با کودک که بسیار لازم بنظر میرسد ممکن است در بسیاری از خانه ها که والدین هر دو بکار خارج اشتغال دارند دیده نشود. کودک به برقراری رابطه کلاسی مستقیم نیاز دارد که ممکن است در بسیاری از خانواده ها بدون در نظر گرفتن محیط اجتماعی وجود نداشته باشد. درست است که فعالیتهای ذهنی و اجتماعی در چندسال اول زندگی شروع میشود و پرورش زبان نیز تا اندازه زیاد با محیط عاطفی و هوشی خانواده بستگی دارد ولی چطور میتوان این خصوصیات شناختی و عاطفی را در خانه هایی که فاقد آن هستند بوجود آورد؟

یکی از اینها از طریق تربیت مادران برای کمک به فرزندانشان در منزل یا مدارس نرسری میباشد. شرکت دادن والدین در برنامه مدرسه و کمک گرفتن از آنها در تدریس چندین سزایا دارد. در درجه اول پدر یا مادر (بخصوص مادران که فرصت بیشتری دارند) فرزند خود را در محیطی خارج از منزل و با کودکانی غیر از دیگر فرزندان خود می بیند و بسیاری از اوقات رفتار بچه ها در مدرسه با منزل تفاوت دارد که شاید مادران از آن بی اطلاع باشند. شرکت آنان در برنامه های کودکستان فرصتی است که مادر میتواند رفتار دیگران را با فرزند خود ببیند و شاید به بسیاری از خصوصیات اخلاقی فرزندش که به علل گوناگون (اشتغال به کار منزل، رسیدن به سایر بچه ها و همسر و غیره) آنها را شناخته است پی ببرد. شرکت در کلاس بعنوان معلم بخصوص برای مادرانی که تحصیلات زیاد دارند ممکن است باعث تقویت حس خود - اعتمادی گردد و احساس کنند که تنها یک زن خانه دار نیستند بلکه

میتوانند از جهات دیگر به کودکان خود و دیگران کمک نمایند.

از نظر کودک خردسال نیز در کنار داشتن مادر در محیطی غیر از منزل و دور از سایر افراد خانواده بی فایده نیست. اگر کودکی تنها فرزند خانواده است و تمام توجه مادر در منزل فقط به او معطوف میشود در اینجا یادگیری که مادر او یک معلم است و باید وقت خود را با سایر بچه های کلاس تقسیم نماید که در نتیجه کودک مفهوم کلی «شریک شدن» را یاد میگیرد. اگر کودک خواهر و برادران دیگری در منزل دارد در اینجا فرصتهایی پیش می آید که مادر را تنها و بدون مزاحمت دیگران در کنار خود ببیند. تربیت مادران بعنوان معلم در منازل نیز بسیار سودمند است و میتواند آنها را برای کمک و تدریس به فرزندان خردسالشان در خانه کمک نماید. این کلاسها را ممکن است در مدارس شبانه یادر منزل مادران هفته ای یکبار تشکیل داد.

چند فرضیه اساسی که در رابطه محیط با یادگیری وجود دارد و در تربیت مادران بعنوان معلم باید در نظر گرفت عبارتند از:

۱ - برای مادرانی که زمینه اقتصادی - اجتماعی محدود دارند - ایجاد محیط فعال و هوشمندانه بمنظور تربیت فرزندانشان مشکل است.

۲ - کودکان بسیاری از چیزها را از محیط خود بیاموزند و محیطی که فاقد وسائل آموزشی است نه تنها نمیتواند رفتار هوشمندانه را در کودک ترغیب کند بلکه به او یاد میدهد که این وسائل مهم نیستند.

۳ - ساخت زبانی کودک در اصل با مدل کلاسی که در خانه وجود دارد شکل میگیرد.

ع - مادری که از طبقه اجتماعی - اقتصادی پائین است معمولاً نمیتواند خود را بصورت یک معلم برای فرزندش ببیند و فاقد تکنیکهای مؤثر آموزشی است .

بادر نظر گرفتن فرضیه‌های بالا یک برنامه مؤثر تربیت مادر برای سرب‌ی باید شامل

فعالتهای بخصوصی برای یاد دادن به خردسالان باشد که این آموزش از موقعی که کودک سه ماهه است باید شروع شود و تا قبل از ورود به مدرسه ادامه یابد . این فعالتهای باید طوری تنظیم شود که باعث ایجاد حس خود - اعتباری در مادران گردد و آنها را با وسائلی آموزشی مفید و استفاده از آنها دریاد دادن به فرزندان خود آشنا سازد . برای تدریس به این گروه معلمی که دارای زمینه‌ای شبیه مادران است و بخصوص برای این منظور تربیت شده مؤثرتر میباشد .

معلمین باید لااقل هفته‌ای یکبار به منزل مادران بروند تا از نزدیک تأثیر تدریس خود را مشاهده و ارزشیابی کنند . در کلاس نیز معلمین طرز ساختن وسائلی آموزشی ساده و ارزان قیمت را به مادران یاد میدهند و اهمیت استفاده از این وسائلی در پرورش

هوش و در نتیجه زبان را برای آنها توضیح میدهند . در سواردی که مادران بعنوان کمک معلم به کودکانها میروند از نزدیک میتوانند طرز استفاده از این وسائلی و تأثیر آن را در یادگیریهای کلی مشاهده کنند .

توضیح در مورد جزئیات برنامه تربیت مادران بعنوان سرب‌ی برای فرزندان خود مطلبی جداگانه است و باید با مطالعه در مورد خصوصیات اجتماعی و فرهنگی هر مملکت تنظیم و طرح ریزی گردد . بطور کلی می‌توانیم نتیجه بگیریم که محیط و زمینه اجتماعی تأثیر زیاد در پرورش کودک دارد و تربیت کودکان باید از سنین خیلی پائین شروع شود . اگر خانواده‌ای قادر به ایجاد محیط مناسب و وسائلی آموزشی برای فرزندان نیست برنامه‌ای برای تربیت مادران بعنوان سرب‌ی باید بوجود آید تا مسائلی که در یادگیری و پرورش هوش مهم می‌باشند به آنها بیاموزد . همچنین باید متذکر شد که یادگیری صحیح و پرورش مناسب در سالهای اول زندگی به پیشرفت تحصیلی کودک بعد از ورود به مدرسه کمک زیادی می‌نماید .

